

# نگاهی به زمینه ها و زیربنای گفتگوی های صلح در افغانستان

علی قادری



پاکستان است. این مسئله تا اندازه واقع بینانه است. زیرا، گروه طالبان در دامن حکومت پاکستان و در خاک پاکستان در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و با همدیگر روابط دارد. از این جهت، می توان گفت که پاکستان نمی تواند به عنوان میانجی گفتگوی صلح نقش بازی نماید. تا زمانی که پاکستان به عنوان یک میانجی بی طرف عمل ننماید، روند صلح به هیچ وجه به نتیجه نمی رسد.

آمریکا و چین نیز نقش در روند گفتگو های صلح دارد اما این دو کشور قادر به بازی نقش ارزنده نیستند. زیرا، آمریکا حاضر نیست بزرگترین فشار وارد نماید تا این کشور به عنوان یک میانجی بی طرف عمل نماید. چین تنها به خاطر سرمایه گذاری کلانی که در پاکستان نموده است، بر پاکستان فشار اندک وارد می کند اما، هیچ گاه حاضر نیست که فشار های فزاینده بر پاکستان وارد نماید و نتیجه آن برهم خوردن روابط میان دو کشور گردد. بر این اساس، باید گفت که تا هنوز زمینه های گفتگوی صلح آن طور که باید و شاید فراهم نشده است.

بنابراین، گروه طالبان و حکومت افغانستان تا هنوز به این باور نرسیده است که جنگ راه حل نیست و هیچ یک قادر به پیروزی در جنگ نخواهد شد. گروه طالبان نه تنها باورمند به این مسئله نیست بلکه بارها اعلان نموده است که در جنگ افغانستان پیروز شده است. خروج نیرو های بین المللی از افغانستان آن ها را جری تر ساخته است و آن ها را در جنگ و شکست حکومت افغانستان مصمم تر ساخته است. از طرف دیگر، حکومت افغانستان هیچ گاه دیدگاه واحد نسبت به روند صلح نداشته است. در کنار این مسئله میانجی روند صلح بی طرف نیست. اگر یک طرف قضا به میانجی روند صلح خوشبین است، طرف دیگر اعتماد کامل ندارد. آمریکا و چین به عنوان دو ابر قدرت نیز نقش کامل در روند صلح بازی نمی کنند. این دو کشور هیچ گاه حاضر نیست که فشار را بر پاکستان افزایش دهد. بر اساس همین مسائل می توان گفت که تا هنوز زمینه ها و زیربنای گفتگوی صلح در افغانستان فراهم نشده است.

افغانستان بعد از سال ها منازعه و درگیری به قانون اساسی و نظامی سیاسی دست یافته است که دو کراژیک است و اگر این نظام سیاسی با تعدیل قانون اساسی تغییر نماید، بدون شک، مردم افغانستان هزینه بیشتری از دست یابی به صلح که فردای آن مشخص نیست می پردازد.

گفتگوی صلح بدون میانجی بی طرف ممکن و عملی نیست. تا هنوز، آمریکا و برخی کشورهای دیگر بر میانجی حکومت پاکستان در روند گفتگوی صلح در افغانستان تأکید می ورزد. اما حکومت افغانستان با وجود دیدگاه های متناقض به یقین بر این باور است که حکومت افغانستان بر این باور است که گروه طالبان تحت کنترل سازمان های امنیتی پاکستان قرار دارد و گروه طالبان در واقع دست آموز سازمان های امنیتی

المللی از افغانستان و تعدیل قانون اساسی و چند مسئله دیگر را از پیش شرط های صلح مطرح کرده است. این پیش شرط ها دقیقاً زمانی مطرح شده بود که دو طرف به صورت مستقیم با همدیگر گفتگو ننموده بودند. برای دو طرف مهم است که در روند گفتگو چه چیز را از دست می دهد و چه چیز را به دست می آورد. اکنون که هیچ توافق میان دو طرف صورت نگرفته است، سخن گفتن از پیش شرط ها مغل روند به بن بست کشاندن گفتگو است. زیرا، هیچ تضمین وجود ندارد که بعد از خروج کامل نیروهای بین المللی و تعدیل قانون اساسی آن ها سلاح های خود را به زمین بگذارند و در چارچوب قانون اساسی برای گرفتن قدرت سیاسی منازعه مسالمت آمیز نمایند. از طرف دیگر، پیش شرط های گروه طالبان بیان نموده است هزینه سنگین برای دولت افغانستان و مردم افغانستان است. مردم

زمانی در افغانستان به نتیجه می رسد که گروه طالبان به این نتیجه برسند که جنگ راه حل نیست و آن ها قادر به پیروزی کامل نخواهد شد. در درون گروه طالبان نیز، این ایده وجود دارد که گفتگو های صلح راه حل نیست و ما قادر به شکست گروه طالبان هستیم. ممکن این مسئله درست باشد، اما حداقل ترین مسئله این است که این صدا ها نه تنها کمکی به روند گفتگو های صلح نمی کند بلکه مغل مصالحه و گفتگو است. دولت افغانستان و نخبگان سیاسی در رأس قدرت و افراد با نفوذ در خارج از چارچوب دولت باید صراحتاً مشخص سازد که از روند های صلح حمایت می کند و یا به صورت قاطع در برابر گروه طالبان می ایستد و با جنگ و خشونت آن ها را نابود می کند. مسئله دیگری که روند صلح را با مشکل مواجه می سازد، ارائه پیش شرط است. گروه طالبان خروج کامل نیرو های بین

نقش افغان ها در بحران مهاجرت در اروپا، بسیار پر رنگ است. افغان ها دومین و در بعضی کشورها حتی اولین جمعیت مهاجران را در سال روان میلادی تشکیل داده اند. بنابر آمار اعلان شده در رسانه ها، نزدیک به یک صد و پنجاه هزار افغان در اروپا درخواست پناهندگی داده اند. آلمان بزرگترین کشور میزبان مهاجران افغان شناخته شده است. اما بحران مهاجرت در افغانستان بیشتر از آن چیزی است که تصور می شود. تشدید جنگ و گسترش ناامنی ها به شمال و مناطق دیگری از کشور سبب شده تا هزاران خانواده به مهاجرت های داخلی اقدام کنند. بر اساس گزارش رسانه های مختلف و شاهدان عینی وضعیت مهاجران داخلی رقت بار و نگران کننده است. از سویی، به خاطر نبود نهادهای قوی و پاسخ گو و همین گونه گسترده بودن مکان هایی که مهاجران داخلی برای مهاجرت انتخاب می کنند، آمار دقیقی از تعداد مهاجران وجود ندارد. همچنان مشکلات مهاجران داخلی از دید نهادهای مسئول و موسسات امدادی اغلباً پنهان می ماند. علاوه بر اینها، مهاجران داخلی را عمدتاً اقشار کم درآمد و فقیر تشکیل می دهند که یا امید به برگشت دوباره به خانه و کاشانه خود دارند و یا امکان رفتن به مناطق دور و خارج از کشور برای آنها مهیا نیست.

دولت افغانستان با بحران مهاجرت به صورت هماهنگ عمل نتوانسته است. اختلاف نظر ها در مورد برگشت اجباری مهاجران از شماری از کشورهای اروپایی، نبود استراتژی واحد در قبال بحران مهاجرت در افغانستان را نشان می دهد. دولتمردان افغانستان نتوانسته اند، در مورد بحران مهاجرت به وحدت نظر و عمل برسند. درخواست های مکرر دولتمردان از مهاجران برای ماندن در افغانستان، با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و رشد نرخ فقر و بیکاری در کشور، پارادوکس جالبی را به نمایش می گذارد.

مهمترین امری که به مهاجرت گسترده افغان ها به کشورهای اروپایی دامن زده است، سلب اعتماد از دولت و دولتمردان است. اکثریت کسانی که راه مهاجرت را در پیش گرفته اند، دیگر آمیدی به بهبودی اوضاع افغانستان ندارند. گسترش جغرافیای جنگ و ناامنی های گسترده و ولسوالی ها و مناطقی که پشت سر هم سقوط می کنند به خلق این تصویر برای مردم افغانستان کمک می کند. حتی کسانی که مهاجران اقتصادی به شماری می روند، با مهاجران اقتصادی از کشورهای دیگری تفاوت اساسی دارند، رابطه ناامنی و وضعیت نابسامان اقتصاد کاملاً جدی و روشن است. تأثیرات مهاجرت در شهرهای بزرگ افغانستان آشکارا دیده می شود. مهاجرانی که از داخل افغانستان به سوی اروپا رفته اند را عمدتاً قشر جوان و بخشی نیز تحصیل کرده ها و افرادی تشکیل می دهند که از تخصص و مهارت در مشاغل برخوردارند و افغانستان شدیداً به آنها نیاز دارد. به عبارت بهتر، فرار مغزهایی که افغانستان در حال حاضر به آنها نیاز دارد، کشور را در وضعیت بدی قرار می دهد. همان هایی که افغانستان با مصرف ده ها هزار دالر برای هر فرد، توانسته صاحب تخصص و مهارت بسازند، به راحتی از افغانستان فرار می کنند. جای خالی این افراد به راحتی قابل پر شدن نیست.

آنچه که وزارت مهاجرین ادعا می کند که برای حل بحران مهاجران ساخته است و درخواست میلیونها دالر کمک نموده، نیز در عمل با مشکل مواجه خواهد شد. سرعت حوادث به خصوصاً رخدادهای امنیتی به اندازه ای گسترده و سریع است که نمی توان با اطمینان در مورد برنامه های این چنینی با قاطعیت و جدیت صحبت کرد. در عین حال تعریف ها و طبقه بندی های وزارت مهاجرین در مواردی واقع بینانه به نظر نمی رسد. مثلاً طبقه بندی مناطق امن و نا امن برای شهروندان افغانستان کاملاً گیج کننده است. کسی که از غور است و همیشه در کابل زندگی کرده است، با کسی که از غور است و در غور زندگی می کند کاملاً وضعیت متفاوتی دارند. دولت باید قبل از هر چیزی وضعیت مهاجرت در افغانستان را درک کند و سپس استراتژی مشخصی را برای حل آن بسازد. امری که با توجه به وضعیت امنیتی و اقتصادی و سیاسی کشور کار سخت و بزرگی است.

## قمار روسیه در سوریه

نویسنده: آلکسی ماناچنکو / ترجمه: شهباز نخعی / قسمت سوم و پایانی



«چچنی و قفقاز را هم آزاد سازد». چنین توهمی البته بلندپروازانه به نظر می آید، اما جهادیون می توانند عملاً نفوذ خود را در شمال قفقاز تقویت کنند که همچنان با مجادله با قدرت مرکزی و دشواری های اقتصادی و اجتماعی دست به گریبان است. گذشته از آن می توان انتظار داشت که سؤقهدهائی نظیر آنچه سفارت روسیه در دمشق در روزهای ۱۹ مه، ۲۰ سپتامبر و ۱۳ اکتبر ۲۰۱۵ به خود دید باز هم روی دهد و اینگونه حملات شاید بتوانند تا خاک روسیه هم گسترش یابند. در سال ۱۹۷۹، تصمیم به مداخله در افغانستان طی نشست "پولیت بورو" اتحاد شوروی به شیوه ای دسته جمعی گرفته شده بود. همکاران کنونی برزنف به مجاب کردن او بر آمده بودند. "یوری اندروپوف" رئیس وقت "ک.ا.ب" و دبیرکل آتی حزب کمونیست اتحاد شوروی نخست به مخالفت با مداخله شوروی در افغانستان برخاسته بود اما

قلمداد کند. از پایان کار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدین سو، اکنون مسکو بیش از هر وقت دیگری عزم خود را به حفظ ثبات در قلب "اوراسیا" و محافظت از همپیمانانش از یک خطر بیرونی به نمایش می گذارد. دیری این خطر طالبان افغانی بودند؛ اینک "سازمان خلافت اسلامی" هم بر آن می افزاید که در طول مرزهای جنوبی آسیای مرکزی مستقر گردیده و می تواند به آن خطه رخنه کنند.

سازمان خلافت اسلامی از همان بدو پیدایش، روسیه را یکی از دشمنان خود نمایانده بود. در سال ۲۰۱۴، این سازمان سندی منتشر کرد و طی آن به رئیس جمهور روسیه هشدار داد که: «دیری است که پایه های مستندت به لرزه در افتاده و با سر رسیدن ما فرو خواهد ریخت...» «ولادیمیر پوتین» طیاره هائی که تو به سوی "بشار" روانه کرده ای، به حوصل و قوه الهی به سویت برواهیم گرداند!» این سازمان حتی وعده داده بود

و چین را متحد وی سازد. یکن به مداخله ای بیرون از مرزهای خود تن در نمی دهد و تهران نیات خاص خود را دنبال می کند — گیریم که سردار قاسم سلیمانی قدرتمند، فرمانده نیروی "القدس"، یگان سپاه پاسداران انقلاب که در عراق و سوریه می جنگد را در مسکو دیده باشند. آقای "پوتین" اطمینان خاطر هائی به "بنیامین نتانیاو" نخست وزیر اسرائیل داده، که از چنین تقرب هائی نگران است و بیش از همه واهمه دارد که حزب الله به لطف محور رزمندگان شیعی همپیمان روس ها به سلاح های تازه ای دست یابد. تهدید جهادیون در ناحیه قفقاز به یک مفهوم، "سازمان خلافت اسلامی" به منافع روسیه خدمت کرده و به وی فرصت داده است تا به دوستانش در منطقه نشان دهد که هنوز می تواند نقش تعیین کننده ای را بازی کند. بدینسان مسکو می تواند از طریق "اتاقی روسیه" یعنی "سازمان پیمان امنیت جمعی"، خود را به صراحت حامی کشور های مسلمان آسیای مرکزی

### کارتون روز



من از این درد به کجا روم!

روزنامه افغانان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازرسی داده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانان میباشد.

روزنامه افغانان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانان The Daily Afghanistan  
Daily Outlook AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine